

## تأثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی

### کسب و کارهای جدید

عبدالرحیم هاشمی دیزج<sup>۱</sup>

استادیار اقتصاد دانشگاه محقق اردبیلی، [a.hashemi@uma.ac.ir](mailto:a.hashemi@uma.ac.ir)

راضیه داوری کیش

دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی دانشگاه بوعلی سینا، [r.davarikish@gmail.com](mailto:r.davarikish@gmail.com)

مهدی جعفری

استادیار موسسه آموزش عالی طلوع مهر قم، [mahdi.jfr@gmail.com](mailto:mahdi.jfr@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

### چکیده

کشورهای با فقدان حکمرانی خوب و شکنندگی اقتصادی، هنگام پدیدار شدن یک شوک داخلی یا خارجی، بیشتر دچار هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی و بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی می‌گردند. لذا، با افزایش ناطمینانی به دلیل شکنندگی بالای اقتصاد در برابر شوک‌های داخلی و خارجی، انگیزه فعالان اقتصادی برای راه‌اندازی و تداوم کسب و کار کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، به دلیل بی‌ثباتی اقتصاد کلان، هزینه‌های راه‌اندازی کسب و کار به قدری زیاد می‌شود که افراد، بنگاه‌ها تمایل ندارند از فرصت‌های اقتصادی استفاده کنند. به همین دلیل کشورهای مختلف به منظور بهبود ثبات اقتصاد کلان و کاهش تغییرات پایایی و غیرقابل پیش‌بینی قوانین و مقررات، ثبات سیاسی دولت، تقویت خدمات عمومی و زیرساخت‌ها و امنیت حقوق مالکیت در پی اتخاذ راهکارهایی برای بهبود فضای کسب و کار از طریق کاهش شکنندگی اقتصاد تحت حکمرانی خوب هستند. برای این منظور این پژوهش، با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) به بررسی تأثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید در کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۶ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، شکنندگی اقتصادی و اجزا آن (رکود اقتصادی و فقر، توسعه اقتصادی نامتوازن و فرار مغزها) از کانال شاخص حکمرانی تأثیر مثبت بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید کشورهای مورد بررسی دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد، متغیرهای توسعه مالی، هزینه‌های دولت در بخش آموزش، بهره‌وری کل عوامل تولید تأثیر مثبت بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید دارند.

**واژگان کلیدی:** شکنندگی اقتصاد، حکمرانی خوب، فضای کسب‌وکار، روش گشتاور تعمیم‌یافته.

طبقه‌بندی JEL: Q56, F18, C23

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

## ۱- مقدمه

یکی از دلایل این که در اقتصادهای پیشرفته سرمایه به تولید تبدیل می‌شود وجود فضای کسب‌وکار مساعد می‌باشد و اگر در کشورهای در حال توسعه، سرمایه به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی نظیر خرید ارز، طلا، زمین و... می‌رود، بخاطر وجود فضای کسب و کار نامساعد و ناامن است. حجم پایین سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، نرخ‌های تورم و بیکاری بالا، واردات گسترده، سهم اندک درآمدهای مالیاتی از کل تولید ناخالص داخلی و جز این‌ها، همگی نشان‌دهنده نامناسب بودن محیط کسب و کار در کشور است و نیاز است تا با شناسایی عوامل موثر بر آن نسبت به بهبود فضای کسب و کار در کشور اقدام شود (امجدی و شافعی<sup>۱</sup>، ۱۳۹۶).

مفهوم فضای کسب و کار، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و مقرراتی است که بر فعالیت واحدهای اقتصادی تاثیر می‌گذارد و مدیران یا مالکین واحدها امکان تغییر یا بهبود آن را ندارند و خارج از کنترل و تسلط بنگاه‌ها است. کیفیت محیط کسب و کار به طور مستقیم می‌تواند بر میزان هزینه‌های حاصل از فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، ریسک حاصل از شروع کسب و کار جدید، تعامل میان بنگاه‌ها و تامین مالی تاثیر گذاشته و به تبع آن بر روی تصمیمات سرمایه‌گذاری، ایجاد شغل، سطح بهره‌وری، تولید و رشد اقتصادی کشور نیز اثرگذار باشد. بنابراین، بهبود فضای کسب و کار به معنای بهبود و رونق فضای سرمایه‌گذاری و در نتیجه محرک رشد اقتصادی باشد (هانس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

مؤسسه (DB)<sup>۳</sup>، با استناد به ۱۰ شاخص کمی که ۱۰ مرحله از عمر یک کسب‌وکار را از زمان شکل‌گیری تا انحلال آن در بر می‌گیرد، در مورد میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی قضاوت می‌کند. در حقیقت شاخص فضای کسب و کار شامل ۱۰ مولفه شروع کسب و کار، اخذ مجوزها، شاخص استخدام و اخراج نیروی کار، ثبت مالکیت، شاخص اخذ اعتبار، شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران، شاخص

<sup>1</sup> Amjadi & Shafeei (2017)

<sup>2</sup> Hans

<sup>3</sup> Doing Business

پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، شاخص انحلال فعالیت و شاخص الزام‌آور بودن قراردادهای است.

همان طور که ملاحظه شد، یکی از عوامل اثرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی، هزینه راه‌اندازی و شروع این فعالیت‌ها یا کسب و کارهای جدید است. هزینه‌های بالای راه‌اندازی و شروع کسب‌وکار موجب بالا رفتن بهای تمام شده محصولات و خدمات و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری آنها به ویژه در مقایسه با کالاها و خدمات مشابه خارجی می‌گردد (کریمی تکانلو و همکاران<sup>۱</sup>، ۱۳۹۳). در حالی که، یکی از اساسی‌ترین چالش‌های چشم‌انداز اقتصاد ایران، پدیده جهانی شدن است و برخورداری از محصولات و خدمات رقابت‌پذیر برای اقتصاد ایران، امری، اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، یکی از عوامل مهم در جهت رقابت‌پذیر شدن محصولات و خدمات، بهبود فضای کسب و کار از جمله بهبود شاخص شروع کسب و کار است. اولین مسأله‌ای که در هر کسب و کاری مطرح می‌گردد، فرایند ثبت شرکت از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت (به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی) است که به آن شاخص شروع کسب و کار می‌گویند. بنابراین، اصلاح بهبود شاخص شروع کسب و کار، گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و ارتقای سطح اشتغال و تولید در کشور محسوب می‌شود. هزینه‌های شروع هر فعالیت تابع دو دسته عوامل است: هزینه‌هایی که به لحاظ فنی لازم است و هزینه‌هایی که به دلیل ناکارآمدی محیط فعالیت اقتصادی بر صاحبان کسب و کار تحمیل می‌شود. گاهی این قبیل هزینه‌های شروع کسب و کار به قدری زیاد است که افراد، بنگاه‌ها ترغیب نمی‌شوند از فرصت‌های اقتصادی استفاده کنند (امجدی و شافعی، ۱۳۹۶). حال مسأله این است که چگونه می‌توان هزینه‌های ناشی از محیط فعالیت اقتصادی را کاهش داد. به نظر می‌رسد شکنندگی اقتصاد یکی از عواملی است که بر سهولت فضای کسب و کار تاثیر می‌گذارد. معمولاً کشورهایی که اقتصاد شکننده‌ای دارند، روند تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با عدم قطعیت همراه است. به همین دلیل کشورهای مختلف به منظور بهبود ثبات اقتصاد کلان و کاهش تغییرات پیاپی و غیرقابل پیش‌بینی قوانین و مقررات، ثبات سیاسی دولت، تقویت خدمات عمومی و زیرساخت‌ها و امنیت حقوق

<sup>۱</sup> Karimi et al. (2014)

مالکیت در پی اتخاذ راهکارهایی برای بهبود فضای کسب و کار از طریق افزایش قدرت انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری و کاهش شکنندگی اقتصاد خود هستند، زیرا، در صورت شکننده بودن اقتصاد، دسترسی آسان به اعتبارات و تمایل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد (بونو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵).

امروزه، حکمرانی به عنصری کلیدی در سیاست‌های تسهیل فضای کسب و کار تبدیل شده است. بدین منظور، دولتمردان می‌توانند با تمرکز بر مولفه‌های حکمرانی خوب که شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی (VA)<sup>۲</sup>، ثبات سیاسی (PS)<sup>۳</sup>، اثربخشی دولت (GE)<sup>۴</sup>، کیفیت قوانین و مقررات (RQ)<sup>۵</sup>، حاکمیت قانون (RL)<sup>۶</sup> و کنترل فساد (CC)<sup>۷</sup> است، مسیر را برای بهبود فضای کسب‌وکار هموار نمایند و از این رهگذر به پشتوانه کاهش شکنندگی اقتصادی و مدیریت آن، کیفیت فضای کسب‌وکار ارتقاء دهند. در حقیقت افزایش قدرت پاسخگویی و شفافیت دولت در برابر افراد جامعه، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات، تامین قضایی، کنترل فساد و نهایتاً بهبود شاخص حکمرانی از طریق چرخش کمتر سیاست‌های اقتصادی، کاهش رانت‌جویی، فساد و اقتدارگرایی، بهبود ثبات اقتصادی و کاهش عدم اطمینان فضای کسب و کار منجر به کاهش شکنندگی اقتصاد می‌گردد و زمینه برای ایجاد فضای مناسب و امن برای شروع و تداوم کسب‌وکارها فراهم می‌گردد (رودریگز جولیاس و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۰) و بدین طریق شکنندگی اقتصادی از کانال شاخص حکمرانی منجر به ارتقاء بهبود فضای کسب‌وکار می‌گردد. زیرا، احترام به قانون مالکیت، ثبات اقتصاد کلان، ثبات سیاسی و کیفیت و کمیت خدمات عمومی و زیرساخت‌ها بهبود می‌یابد و به تبع آن هزینه‌های ناشی از محیط فعالیت اقتصادی کاهش می‌یابد و انگیزه فعالان اقتصادی برای شروع و تداوم کسب و کار افزایش می‌یابد. همچنین می‌توان بیان داشت، تاثیر شکنندگی اقتصادی از کانال شاخص حکمرانی بر راه‌اندازی فضای کسب‌وکار جدید می‌تواند مثبت باشد. زیرا، تجربه کشورها نشان

<sup>1</sup> Buno et al.

<sup>2</sup> Voice and Accountability

<sup>3</sup> Political Stability

<sup>4</sup> Government Effectiveness

<sup>5</sup> Regulatory Quality

<sup>6</sup> Rule of Law

<sup>7</sup> Control Corruption

<sup>8</sup> Rodríguez-Gulías

می‌دهد که حکومت‌هایی که حکمرانی ضعیفی دارند در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی عملکرد نامناسبی دارند. در نتیجه حکومت‌های شکننده معمولاً در مارپیچی از ضعف و خشونت گرفتار می‌شوند. جوامعی که تحت تأثیر حکمرانی ضعیف، امکان کمتری برای بهبود ظرفیت‌های نهادی، اتحاد اجتماعی بالا و مشروعیت بالا دارند، بیشتر دچار از کارافتادن تدریجی قراردادهای اجتماعی، از بین رفتن تاب‌آوری اجتماعی و قرار گرفتن در سطوح پایین توسعه انسانی و اقتصادی می‌شوند. این کشورها اغلب درجات بالایی از خشونت و عدم احترام به قانون را تجربه می‌کنند. بنابراین با کاهش شکنندگی اقتصادی در این کشورها، احترام به قانون مالکیت، ثبات اقتصادی تضعیف می‌گردد و به تبع آن هزینه‌های ناشی از محیط فعالیت اقتصادی افزایش می‌یابد و انگیزه فعالان اقتصادی برای شروع و تداوم کسب و کار کاهش می‌یابد. لذا چگونگی اثرگذاری شکنندگی اقتصادی از کانال شاخص حکمرانی بر کیفیت فضای کسب و کار از مهم‌ترین مسائل قابل طرح می‌باشد. اکنون این سوال مطرح می‌شود که آیا شکنندگی اقتصادی از کانال شاخص حکمرانی بر در کشورهای مورد مطالعه اثر مثبت بر راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید دارد؟

با توجه به اثر گذاری شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر شروع کسب و کارهای جدید، تا کنون مطالعه جامعی به این موضوع نپرداخته است لذا این پژوهش، به بررسی تاثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر شروع کسب و کارهای جدید در کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۶ پرداخته است. در ادامه، مبانی نظری، پیشینه پژوهش، ارائه مدل و معرفی متغیرهای مورد استفاده در مدل، تخمین مدل و تفسیر نتایج حاصل از برآورد و در نهایت جمع‌بندی و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

## ۲- ادبیات موضوع

عوامل متعددی بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی تاثیر می‌گذارند. برخی از این عوامل خارج از تسلط و کنترل فعالان اقتصادی است و در ادبیات اقتصادی با عنوان فضای کسب و کار شناخته می‌شود. فضای کسب و کار به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه بر عواملی مانند بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌های تولیدی اثر می‌گذارد. از طرف دیگر، توسعه اقتصادی براساس رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها استوار بوده و فضای کسب و کار از عوامل مهم مؤثر بر این رقابت‌پذیری است. بهبود فضای کسب و کار

و حصول محیط روشن و سالم کسب‌وکار از کارکرد سیاست‌های اقتصادی مناسب کشورها به دست می‌آید (شاهین‌پور و کارابولت<sup>۱</sup>، ۱۳۹۸).

در این راستا و با توجه به اهمیت موضوع، بانک جهانی با استفاده از شاخص کسب و کار به بررسی و ارزیابی قوانین، مقررات و مجموعه عواملی که مستقیماً بر روی انجام کسب و کار و رشد اقتصادی کشورها مؤثرند پرداخته و اقدام به رتبه‌بندی کشورهای جهان می‌نماید. رتبه هر کشور براساس متوسطی از رتبه اجزای تشکیل‌دهنده هر شاخص تعیین می‌شود. بطوری‌که کشوری از نظر قوانین و مقررات پوشش‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی، نظیر قانون ورود به بازار، ورشکستگی، قوانین تشکیل مشاغل جدید و غیره و نیز مجموعه عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌ها و در کل کسب و کار، بازدارنده باشد در رتبه‌بندی کشوری در مکان‌های انتهایی قرار می‌گیرد. لذا بسیاری از کشورها سعی بر این داشته تا با استفاده از سهولت فضای کسب و کار، فعالیت‌های اقتصادی را گسترش دهند زیرا به این مفهوم پی برده‌اند که بهبود محیط کسب و کار می‌تواند فرصت مناسبی برای کارآفرینان و ثروت‌آفرینان در جهت رشد اقتصادی مستمر و باثبات باشد. مؤسسه (DB)<sup>۲</sup> با استناد به ۱۰ شاخص کمی که ۱۰ مرحله از عمر یک کسب‌وکار را از زمان شکل‌گیری تا انحلال آن دربرمی‌گیرد در مورد میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی قضاوت می‌کند. در حقیقت شاخص فضای کسب و کار شامل ۱۰ مولفه شروع کسب و کار (SB)<sup>۳</sup>، اخذ مجوزها (OL)<sup>۴</sup>، شاخص استخدام و اخراج نیروی کار (JE & WD)<sup>۵</sup>، ثبت مالکیت (RP)<sup>۶</sup>، شاخص اخذ اعتبار (IOC)<sup>۷</sup>، شاخص حمایت از سرمایه‌گذاران (IPI)<sup>۸</sup>، شاخص پرداخت مالیات (IPT)<sup>۹</sup>، تجارت

<sup>1</sup> Shahinpour & Karabulut (2019)

<sup>2</sup> Doing Business

<sup>3</sup> Starting a Business

<sup>4</sup> Obtaining Licenses

<sup>5</sup> Indicators of employment and Worker Dismissal

<sup>6</sup> Registering Property

<sup>7</sup> Indicators of Obtaining Credit

<sup>8</sup> Investors' Protection Index

<sup>9</sup> Index Paying Taxes

فرامرزی (CBT)<sup>۱</sup>، شاخص انحلال فعالیت (ILA)<sup>۲</sup> و شاخص الزام‌آور بودن قراردادهای (ISC)<sup>۳</sup> است.

همان‌طور که ملاحظه شد، افراد و بنگاه‌ها به عنوان بخش خصوصی در شروع فعالیت اقتصادی با مشکلات متعددی (مراحل اداری بوروکراسی، ارتشاء، زمان طولانی اخذ مجوز و ...) مواجه است (شاهین‌پور و کارابولت، ۱۳۹۸). اما مهمترین گام در راه‌اندازی و شروع کسب‌وکار جدید بررسی فرایند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت است، بدیهی است هر چه فرایند ثبت شرکت پیچیده‌تر و مشکل‌تر و پر هزینه‌تر باشد، انگیزه افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی برای شروع فعالیت‌های اقتصادی کمتر می‌گردد (مهربانی و همکاران<sup>۴</sup>، ۱۳۹۵). در واقع، به دلیل هزینه‌ها و زمان لازم برای شروع کسب‌وکار، عملاً امکان شروع کسب‌وکار از فعالان اقتصادی سلب می‌گردد. بنابراین بایستی فرایند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت کاهش داد. از سوی دیگر، یکی از عواملی که می‌تواند فرایند شروع کسب‌وکار را متزلزل‌تر نماید، ثبات اقتصاد کلان است. گزارش بانک جهانی نیز بی‌ثباتی اقتصاد کلان را به عنوان مهم‌ترین مانع بر بهبود فضای کسب و کار معرفی می‌کند. زیرا، بی‌ثباتی اقتصاد کلان با ایجاد فضای نااطمینانی، اثر هرگونه سیاست اقتصادی در جهت بهبود فضای کسب و کار کاهش داده و تحت تاثیر قرار می‌دهد (دهباشی و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۳۹۷). بروز شوک‌ها و تلاطم‌های داخلی و خارجی با شکننده بودن اقتصاد باعث بروز نوسانات شدید در متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ ارز و تورم و به تبع آن باعث بی‌ثباتی اقتصاد کلان می‌گردد. لذا، مدیریت اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که اقتصاد در مقابل نوسانات، شوک‌ها و تلاطم‌های داخلی و بین‌المللی مقاومت کند و شکننده نباشد و به تبع آن نااطمینانی در اقتصاد به وجود نیاید و به تبع آن فضای کسب و کار برای شروع فعالیت‌های اقتصادی مساعد باشد. بنابراین، شکنندگی اقتصاد یکی از عواملی است که بر شروع کسب‌وکار تاثیر می‌گذارد.

<sup>1</sup> Cross-border Trade

<sup>2</sup> Index Liquidation Activity

<sup>3</sup> Index Sanctity of Contracts

<sup>4</sup> Mehrabani et al. (2016)

<sup>5</sup> Dehbashi et al. (2020)

شکنندگی از نظر لغوی، به معنای توانایی شکست یا خرابی آسان تعریف شده است و برخی محققان، شکنندگی را برای اقتصاد به خانه‌ای شیشه‌ای تشبیه کرده‌اند که در مواجهه با تنش یا شوک سختی قسمتی از آن خواهد شکست (ولینگز و مورنو-تورس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). مفهوم کشور شکننده از اوایل ۱۹۹۰ وارد مباحث توسعه شده است. بدین منظور، بنیاد صلح در گزارشی به بررسی کشورهای مختلف جهان از نظر میزان شکنندگی نظام اقتصادی آن‌ها می‌پردازد. به گزارش جدید بنیاد صلح که با بررسی و تحلیل داده‌های مربوط به ۱۷۸ کشور جهان براساس سه شاخصه اصلی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تهیه شده است اقدام به رده بندی کشورها در دسته کشورهای با شکنندگی در سطح بسیار اخطار دهنده، با اخطار بالا، در وضعیت اخطار، در وضعیت هشدار بالا، هشدار متوسط، هشدار دهنده، باثبات، بسیار باثبات، پایدار و بسیار پایدار نموده است. هر چه امتیاز کسب شده برای کشورها بر اساس شاخص شکنندگی اقتصاد بیشتر باشد، آن کشور شکننده‌تر خواهد بود. شاخصه اقتصادی خود شامل زیرشاخه‌های رکود اقتصادی و فقر (ED&P)<sup>۲</sup>، توسعه اقتصادی نامتوازن (UED)<sup>۳</sup> فرار مغزها و نیروی انسانی (HF&BD)<sup>۴</sup> است.

منظور از شکنندگی اقتصاد، عدم توانایی اقتصاد در مواجهه با اتفاقات ناگهانی (شوکه‌های خارجی و داخلی) و نابودی آن در شرایط رخداد این اتفاقات است. لذا، با استحکام اقتصادی به معنای ثبات در برابر چنین رخدادهایی است و با رسیدن به مرحله ضد شکنندگی، اقتصاد قدرت خود را در برابر شوک‌ها به نمایش می‌گذارد (سعدآبادی و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۳۹۹). شکنندگی اقتصادی علاوه بر اینکه ناشی از خصوصیات ذاتی و ساختار اقتصادی یک کشور است، اما تا حد زیادی تحت تاثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و نحوه حکمرانی قرار می‌گیرد. بنابراین، کشورها می‌توانند با اتخاذ حکمرانی مناسب بر این مشکلات غلبه نمایند. به عبارت دیگر، کشوری که داری حکمرانی مناسبی است، می‌تواند با اتکاء به مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهای کارای خود و اجرای

<sup>1</sup> Vallings & Moreno-Torres

<sup>2</sup> Economic Decline and Poverty

<sup>3</sup> The Uneven Economic Development

<sup>4</sup> The Human Flight and Brain Drain

<sup>5</sup> Saadabadi et al. (2020)



سیاست‌های درست از سوی دولت، درجه شکنندگی اقتصادی را کاهش دهد. حکومت‌هایی که حکمرانی مناسبی دارند قادر به کاهش و حتی ایستادگی در برابر اثرات شوک‌های داخلی و خارجی هستند. این حکومت‌ها برای کاهش شکنندگی اقتصادی و دستیابی به ثبات اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی مناسبی را جهت تحمل شوک‌ها در نظر می‌گیرند (کوردینا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

حکمرانی خوب از جمله زمینه‌های بسیار مهم برای شکل‌گیری سیاست‌های مناسب اقتصادی است و از این طریق می‌توان به بهبود شکنندگی اقتصادی در زیرشاخص‌های مربوط به آن پرداخت. در شرایط تحریم، شوک‌های ناشی از واردات کالاهای استراتژیک و یا کالاهای سرمایه‌ای به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص مالی بر اقتصاد ضربه وارد می‌کند. در نتیجه با کاهش درآمد سرانه، افزایش نرخ بیکاری و افزایش نرخ تورم، شکنندگی اقتصادی تشدید می‌گردد. اما تحت حکمرانی مناسب، دولت‌ها با ایجاد تنوع صادراتی از طریق وضع قوانین غیرمحدودکننده و کاهش وابستگی اقتصاد به صادرات محصولی خاص به کاهش شکنندگی بپردازند (عزیزی و خرسندی<sup>۲</sup>، ۱۳۹۵).

رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای، به وجود زیرساخت‌های فیزیکی و برای تولید و توزیع کالاها و خدمات بین عامه مردم و بنگاه‌ها بستگی دارد، به طوری که قدرت اقتصاد ملی، به توانایی و موجودی زیرساخت آن بستگی دارد که در برابر شوک‌های ایجاد شده، چقدر توان مقاومت و ایستادگی دارد و کارایی این زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی موثر است (بابوویک و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). در واقع توسعه اقتصادی با ایجاد زیرساخت‌ها نقش بسترسازی برای محیط کسب‌وکار دارد. توسعه اقتصادی نامتوازن، منجر به ایجاد نابرابری در زیرساخت‌ها می‌گردد و با بروز شوک‌های اقتصادی به دلیل اینکه برخی فعالان اقتصادی دسترسی یکسانی به زیرساخت‌ها ندارند، تداوم و شروع کسب‌وکارها اینها مختل می‌گردد. همچنین، بدون حکمرانی خوب، شوک‌های وارد بر اقتصاد به احتمال بیشتری منجر به آشفتگی اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. در نتیجه، شکنندگی اقتصادی را تشدید

<sup>1</sup> Cordina

<sup>2</sup> Azizi & Khorsandi (2016)

<sup>3</sup> Babovic et al.

می‌کنند. بنابراین، استقرار حکمرانی خوب با ارائه خدمات عمومی کاراتر، حفظ حاکمیت قانون، حقوق مالکیت و قوانین قابل پیش‌بینی و معتبر، باعث جذب و خنثی‌شدن بهتر این شوک‌های می‌گردد (بریگولیو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی متوازن تحت حکمرانی خوب از طریق ایجاد برابری اقتصادی امکان رقابت سالم بین کسب‌وکارها را فراهم می‌کند و فضای کسب و کار برای شروع فعالیت‌ها مساعد می‌گردد. در کشورهای تحت حکمرانی ضعیف به دلیل پایین‌بودن ثبات سیاسی و نبود محیطی رقابت‌پذیر، سرمایه‌گذاری به ویژه سرمایه‌گذاری‌های خارجی به حداقل میزان خود رسیده است. این شرایط باعث شده است تا بسیاری از افراد برای ادامه تحصیل، سرمایه‌گذاری و غیره به کشورهای دیگر مهاجرت کنند (مکیان و بی‌باک<sup>۲</sup>، ۱۳۹۴). بنابراین کشورهای با فقدان حکمرانی خوب و شکنندگی اقتصادی، هنگام پدیدار شدن یک شوک، بیشتر دچار هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی می‌گردند (بریگولیو، ۲۰۱۴) در نتیجه، پدیده فرار مغزها نیز تشدید می‌شود. بدیهی است، افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی به مفهوم افزایش نیروی کار آموزش دیده بوده و زمینه‌های استفاده از تکنولوژی‌های وارداتی را افزایش می‌دهد (سرریز دانش). به دلیل فرار مغزها و نیروی انسانی کارآمد، امکان بهره‌مندی تولید از مزایای سرمایه انسانی (افزایش بهره‌وری، سرریز دانش، افزایش تولید) سلب می‌گردد در نتیجه اقتصاد در برابر شوک‌های اقتصادی شکننده‌تر می‌گردد و امکان بازیابی خود را به دلیل کمبود نیروی متخصص (فرار مغزها) نخواهد داشت. بنابراین، کشورها از طریق بهبود حکمرانی می‌توانند وضعیت شکنندگی اقتصادی خود را بهبود ببخشند و با ایجاد ثبات اقتصاد کلان و کنترل هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی، فرار مغزها را کاهش دهند و محیط کسب‌وکار برای افراد تحصیل کرده را مساعد کنند.

کشورهایی که حکمرانی قوی دارند، شکنندگی کمتری دارند زیرا حکمرانی قوی از طریق اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)؛ بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی

<sup>1</sup> Briguglio

<sup>2</sup> Makian & Bibak (2015)

و نیز برابری همه افراد در برابر قانون به مدیریت شکنندگی اقتصاد می‌پردازد. بنابراین با حکمرانی قوی و کاهش شکنندگی اقتصادی در این کشورها، احترام به قانون مالکیت و ثبات اقتصادی تقویت می‌گردد و به تبع آن هزینه‌های ناشی از محیط فعالیت اقتصادی کاهش می‌یابد و انگیزه فعالان اقتصادی برای شروع و تداوم کسب و کار افزایش می‌یابد. عبدالهادی و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تاثیر شکنندگی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری (VECM)<sup>۱</sup> در ۱۳ عضو کشورهای منا طی دوره ۲۰۰۷-۲۰۱۸ پرداخته‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، روابط علی بلندمدت نشان می‌دهد رشد شکنندگی، رشد تولید ناخالص داخلی و رشد باز بودن تجارت تأثیر معنی‌داری بر رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

رودریگز-جولیس و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر شاخص حکمرانی بر ایجاد مشاغل با استفاده از مدل‌سازی چندسطحی در نمونه‌ای از ۲۰۶ کشور برای دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، حاکمیت قانون (RL) و کیفیت قوانین و مقررات (RQ) تأثیر فوری بر ایجاد مشاغل جدید دارند، همچنین متغیرهای کنترل فساد، ثبات سیاسی و عدم حضور خشونت، حاکمیت قانون و حق اظهارنظر و پاسخگویی تأثیری با وقفه (تاخیری) بر ایجاد مشاغل دارند.

اسکالرز و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷)، به بررسی ارتباط تمرکززدایی مالی و کیفیت نهادی در محیط کسب و کار با استفاده از داده‌های پنل طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۴ در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، عدم تمرکز مالی، محیط کسب و کار را بهبود می‌بخشد و تأثیر آن در کشورهای کم درآمد قوی‌تر است.

گاگانیس و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر فرهنگ بر محیط کسب و کار و سودآوری برای ۴۰۰۰۰ شرکت در ۲۵ کشور اروپایی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، کاهش فساد منجر به بهبود فضای کسب و کار از طریق سهولت دریافت اعتبار می‌گردد. مقررات دولتی کمتر در حوزه راه‌اندازی و تعطیل کردن یک کسب و کار، سودآوری را افزایش می‌دهد. همچنین میزان تأثیر فرهنگ ملی بر سودآوری کسب و کارها به ثبات سیاسی و کیفیت نهادی بستگی دارد.

<sup>1</sup> vector Error Correction Models

<sup>2</sup> Sclarset et al.

<sup>3</sup> Gaganis et al.

گروسانا و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر حکمرانی بر فضای کسب و کار و کارآفرینی در کشورهای منتخب با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۷ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، کیفیت یک امتیاز افزایش در کیفیت قوانین و مقررات به طور متوسط ۲۰/۵ رتبه سهولت انجام کسب و کار بهبود می‌بخشد همچنین، یک امتیاز افزایش در کنترل فساد به طور متوسط ۸/۶ رتبه سهولت انجام کسب و کار را افزایش می‌دهد. افزایش یک امتیازی ثبات سیاسی به طور متوسط ۲۱/۳ درصد افزایش در کارآفرینی به دنبال دارد. افزایش یک امتیازی کیفیت قوانین و مقررات، به طور متوسط ۳۴/۴ درصد افزایش در کارآفرینی به دنبال دارد.

ماست‌کینها و ونکیوینب<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر جهانی‌سازی اقتصاد بر محیط‌های کسب‌وکار کشورهای حوزه بالتیک پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تأثیرات اقتصادی فرایند جهانی‌سازی به تدریج کاهش یافته است، با این وجود، تأثیرات غیرقابل پیش‌بینی جدیدی در دنیای اقتصاد در حال وقوع است. حتی در آینده چالش‌های بیشتری نیز برای موضوعات اقتصادی وجود خواهد داشت، به طوری که، در محیط کسب‌وکار بی‌ثبات، رقابتی عمل کنند.

آلمیو<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، به بررسی تاثیر زیرساخت‌های حکمرانی خوب بر سهولت انجام تجارت در ۴۱ کشور آفریقایی طی دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۵ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، کارآیی دولت و سطح پایین فساد، فضای کسب و کار مناسب‌تری برای فعالان اقتصادی ایجاد می‌کند.

کالپر و لائو<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) چگونگی ثبت شرکت‌ها را در ۹۲ کشور جهان و سهولت ثبت کسب و کار جدید و اثرگذاری اصلاحات ثبت شرکت‌ها را بر روی ثبت شرکت‌های جدید مورد مطالعه قرار داده است. نتایج بیانگر این است که اصلاحات کوچک (در کل کمتر از ۴۰ درصد) اثر قابل توجهی بر کاهش هزینه‌ها برای ایجاد شرکت‌های جدید ندارد.

<sup>1</sup> Masteikienea & Venckuvieneb

<sup>2</sup> Alemu

<sup>3</sup> Klapper & Love

نیسترام<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، به بررسی رابطه متقابل بین مقررات تجاری و فعالیتهای کارآفرینی در ۲۳ کشور عضو OECD برای دوره ۱۹۷۲-۲۰۰۲ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بین کارآفرینی و کیفیت مقررات تجاری رابطه مثبت وجود دارد.

باتاچاری و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) به بررسی بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر ورشکستگی و انحلال شرکتها پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ریسک ورشکستگی و انحلال فعالیت کسب و کار را افزایش می‌دهد.

حبیبی و همکاران<sup>۳</sup> (۱۴۰۰) با استفاده از یک پرسشنامه ابداعی به بررسی اثر فقر ذهنی بر عملکرد نیروی انسانی در یک نمونه‌ی ایرانی می‌پردازند. پرسشنامه ابداعی که در دو زمان ابتدا و انتهای یک ماه در میان افراد یکسانی توزیع و تکمیل شده است، امکان ایجاد برون‌زای فقر ذهنی از طریق زمان را فراهم کرده است. بنابراین انتظار می‌رود که این افراد در انتهای ماه عملکرد شناختی ضعیف‌تری داشته باشند. داده‌های مربوط به عملکرد افراد در آزمونای کیو، آزمون شناختی فردریک و سؤالات ریاضی ساده از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. پرسشنامه در میان ۱۶۱ نفر از کارمندان دولتی منتخب در دو نوبت؛ اول ماه بعد از دریافت حقوق و آخر ماه قبل از دریافت حقوق، توزیع شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه منفی و معناداری بین فقر ذهنی و عملکرد نیروی کار وجود دارد.

سلاطین<sup>۴</sup> (۱۳۹۸) به بررسی تاثیرگذاری کیفیت حکمرانی بر کارآفرینی در گروه کشورهای منتخب با استفاده از روش اثرات ثابت در دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، کیفیت حکمرانی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر کارآفرینی در گروه کشورهای منتخب دارند. میزان تاثیرگذاری کیفیت حکمرانی بر کارآفرینی در گروه کشورهای منتخب نوآورمحور با درآمد بالا بیشتر از گروه کشورهای منتخب کارایی‌محور با درآمد متوسط می‌باشد.

فتاحی و طبایان<sup>۵</sup> (۱۳۹۵) به بررسی نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، سیاست‌های

---

<sup>1</sup> Nyström

<sup>2</sup> Bhattacharjee

<sup>3</sup> Habibi et al. (2021)

<sup>4</sup> Salatin (2019)

<sup>5</sup> Fattahi & Tabakhian (2016)

دولتی می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و یا آموزشی بر فرایند بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه تأثیرگذار باشد. عزیزی و خرسندی (۱۳۹۵) به بررسی اثر حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی با استفاده از رهیافت بین‌کشوری و داده‌های مقطعی طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۱ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، حکمرانی خوب اثر منفی و معناداری بر میزان آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها دارد.

دهباشی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اثر بی‌ثباتی برخی شاخص‌های کلان اقتصادی بر تعداد شرکت‌های فعال در فضای کسب و کار ایران با استفاده از روش همجمعی و مدل خودرگرسیون برداری پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، کیفیت محیط اقتصادی، فیزیکی و انسانی بر تعداد شرکت‌های فعال در فضای کسب و کار ایران اثر می‌گذارند. به بیان دیگر در بلندمدت، افزایش بی‌ثباتی در شاخص‌های کلان اقتصادی به عنوان نماگر کیفیت محیط اقتصادی، موجب کاهش تعداد شرکت‌های فعال می‌شود. همچنین شاخص‌های توسعه انسانی و سرمایه فیزیکی به عنوان نماگرهای کیفیت محیط انسانی و فیزیکی، تأثیر معنادار و مثبتی بر افزایش تعداد شرکتها دارند.

شاهین‌پور و کارابولت<sup>۱</sup> (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر سرمایه انسانی بر شاخص فضای کسب‌وکار در کشورهای اسلامی با استفاده از روش رگرسیون پنل رهیافت اثرات ثابت پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، سرمایه انسانی و نرخ تشکیل سرمایه بر فضای کسب و کار در کشورهای اسلامی تأثیر مثبت و معناداری دارند. تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر فضای کسب‌وکار تأیید نشده است. همچنین اثر تورم بر شاخص کلی فضای کسب‌وکار در کشورهای اسلامی منفی بوده است.

امجدی و شافعی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار کشورهای منتخب می‌پردازند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق از آزمون‌های آماری کلموگروف-اسمیرنوف و آزمون رگرسیون تک و چند متغیره استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص‌های شروع کسب و کار، ثبت و انتقال مالکیت، اشتراک برق، سهولت اخذ اعتبار و پرداخت مالیات تأثیر مثبتی دارد. همچنین تأثیر فناوری اطلاعات و

<sup>۱</sup> Shahinpour & Karabulut (2020)

ارتباطات بر شاخص‌های اخذ مجوز ساخت، حمایت از سهامداران جزء، تجارت برون مرزی، الزام آور بودن قراردادهای و شاخص ورشکستگی تأیید نشده است. کریمی تکانلو، صادقی و ستاری (۱۳۹۳) به بررسی عوامل مؤثر بر فضای کسب‌وکار با استفاده از روش اقتصادسنجی الگوی خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۵۰ در ایران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و باز بودن اقتصاد تاثیر مثبت و معنی‌داری بر فضای کسب‌وکار دارند. سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی، تورم و نوسانات نرخ ارز تاثیر منفی و معنی‌داری بر فضای کسب‌وکار دارند.

با توجه به بررسی مطالعات تجربی، تاکنون در حوزه تاثیر شکنندگی اقتصاد بر فضای کسب‌وکار پژوهش جامعی صورت نگرفته و با توجه به اهمیت شکنندگی اقتصاد بر فضای کسب‌وکار، این پژوهش به بررسی تاثیر شکنندگی اقتصاد بر فضای کسب‌وکار کشورهای منتخب<sup>۱</sup> طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۶ پرداخته است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته پیرامون موضوع شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی و فضای کسب‌وکار به عنوان تعیین کننده‌های اصیل رشد اقتصادی مستمر و باثبات، این پژوهش در نظر دارد خلأ موجود در خصوص شکنندگی اقتصادی کشورهای منتخب را پر نماید و به بررسی تاثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید کشورهای مذکور بپردازد. در این پژوهش از بین کشورهای منتخب، کشورهای همگن از نظر برخورداری از رتبه فضای کسب و کار و همچنین دارا بودن حداقل تشابهات در زمینه‌های سیاسی و ساختار اقتصادی انتخاب شدند. لذا این پژوهش به بررسی تاثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۹-۲۰۰۶ می‌پردازد.

#### ۴- روش‌شناسی تحقیق

در چارچوب مبانی نظری و مطالعات تجربی عبدالهادی و همکاران (۲۰۲۱)، رودریگز جولیان و همکاران (۲۰۲۰)، جیانگ و همکاران (۲۰۲۰)، گانگانیس و همکاران

<sup>۱</sup> الجزایر، استرالیا، کانادا، شیلی، کلمبیا، دانمارک، اکوادور، مصر، ایران، نروژ، قزاقستان، عمان، ترکیه، انگلستان، آمریکا، ونزوئلا، عربستان سعودی، سریلانکا

(۲۰۱۸)، اسکالرز و همکاران (۲۰۱۷)، گروسانا و همکاران (۲۰۱۵) و کالپر و لاولو (۲۰۱۲) می‌توان تابع زیر را برای مدل راه‌اندازی کسب و کارهای جدید پیشنهاد نمود:

$$SB = F(GOV * EF(GOV * HF\&BD.GOV * UED.GOV * ED\&P) . FD.GGDP.TFP) \quad (1)$$

متغیر وابسته در این پژوهش راه‌اندازی کسب و کارهای جدید (SB)<sup>۱</sup> است که تابعی از اثر متقابل شکنندگی اقتصادی (EF)<sup>۲</sup> و شاخص حکمرانی (GOV)<sup>۳</sup> است که اثر متقابل اجزا شکنندگی اقتصادی (رکود اقتصادی و فقر (GOV\*ED&P)<sup>۴</sup>، توسعه اقتصادی نامتوازن (GOV\*UED)<sup>۵</sup> و فرار مغزها (GOV\*HF&BD)<sup>۶</sup> و شاخص حکمرانی نیز به صورت مجزا در برآورد مدل مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین سایر متغیرها در برآورد مدل، توسعه مالی (FD)<sup>۷</sup>، هزینه‌های دولت در بخش آموزش (GE)<sup>۸</sup> و بهره‌وری کل عوامل تولید (TFP)<sup>۹</sup> است و بدین ترتیب رابطه (۲) به عنوان معادله مدل سهولت فضای کسب و کار برآورد می‌گردد:

$$SB_{it} = \beta_0 + \beta_1 * SB_{t-1} + \beta_2 * (GOV * EF)_{it} + \beta_3 * TFP_{it} + \beta_4 * FD_{it} + \beta_5 * GGDP_{it} + \varepsilon_t + \mu_{it} \quad (2)$$

شایان ذکر است، متغیرهای لحاظ شده در معادله و منابع آماری هر یک از آن‌ها در جدول (۱) آمده است.

<sup>1</sup> Starting a Business

<sup>2</sup> Economic Fragility

<sup>3</sup> <https://fragilestatesindex.org/country-data/>

<sup>4</sup> Economy

<sup>5</sup> Economic Inequality

<sup>6</sup> Human Flight and Brain Drain

<sup>7</sup> Financial Development

<sup>8</sup> Government Spending on Education

<sup>9</sup> Total Factor Productivity



## جدول (۱): تعریف متغیرهای بکار رفته در مدل راه‌اندازی کسب و کارهای جدید

نام متغیر	نماد	شاخص	مطالعات مربوطه
شروع کسب و کار	SB	فرایند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت (به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی) در نظر می‌گیرد و شاخص آن میانگین موارد مذکور است.	در مطالعات کاناره (۲۰۱۸)، اسکالرز و همکاران (۲۰۱۷)، کالپر و لائو (۲۰۱۲)، دهباشی، اسماعیل پورمقدم و اربابی (۱۳۹۹) و شاهین پور و کارابولیت (۱۳۹۸) به عنوان شاخص راه‌اندازی کسب و کارهای جدید، استفاده شده است.
اثر متقابل شکنندگی اقتصادی و حکمرانی	GOV* ED&P	شاخص رکود اقتصادی عوامل مربوط به افت اقتصادی یک کشور را در نظر می‌گیرد که زیرشاخص‌های آن شامل: درآمد سرانه (PCI) <sup>۱</sup> ، تولید ناخالص داخلی (GDP) <sup>۲</sup> ، نرخ بیکاری (UR) <sup>۳</sup> ، تورم (INF) <sup>۴</sup> ، سطح بدهی (DL) <sup>۵</sup> ، حجم تجارت داخلی و خارجی (DFTV) <sup>۶</sup> ، برنامه‌های ریاضت اقتصادی و شکاف طبقاتی (APCG) <sup>۷</sup> است. همچنین مولفه‌های حکمرانی خوب شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی (VA)، ثبات سیاسی (PS)، اثربخشی دولت (GE)، کیفیت قوانین و	طبق مطالعات رودریگز-جولیا و همکاران (۲۰۲۰)، اسکالرز و همکاران (۲۰۱۷)، گروسانا و همکاران (۲۰۱۵)، باتاچاری و همکاران (۲۰۰۹)، ماست‌کینها و ونکیوینب (۲۰۱۵) آلمیو <sup>۸</sup> (۲۰۱۵)، دهباشی، اسماعیل-پورمقدم و اربابی (۱۳۹۹)، شاهین پور و کارابولیت (۱۳۹۸)، سلاطین (۱۳۹۸) و عزیز و خرسندی

<sup>1</sup> The Per Capita Income

<sup>2</sup> GDP

<sup>3</sup> Unemployment Rate

<sup>4</sup> Inflation

<sup>5</sup> Debt level

<sup>6</sup> Domestic and Foreign Trade Volume

<sup>7</sup> Austerity Programs and Class Gap

<sup>8</sup> Alemu

<p>(۱۳۹۵) رابطه زیر مطرح می‌گردد:</p>	<p>مقررات (RQ)، حاکمیت قانون، (RL) و کنترل فساد (CC) است که در این پژوهش حاصل‌ضرب رکود اقتصادی و فقر و حکمرانی مدنظر است.</p>			
$\frac{\Delta(GOV * EF)}{\Delta(SB)} > 0$	<p>شاخص توسعه اقتصادی نامتوازن، بدون در نظر گرفتن عملکرد واقعی اقتصاد، نابرابری اقتصاد کشور را در نظر می‌گیرد. همچنین شاخص به نابرابری ساختاری توجه دارد که مبتنی بر گروه (مانند نژادی، قومی، مذهبی یا سایر گروه‌های هویتی) یا براساس تحصیلات، وضعیت اقتصادی یا منطقه (مانند شکاف شهری و روستایی) است. زیرشاخص‌های توسعه اقتصادی نامتوازن شامل: نابرابری اقتصادی (EI) و شاخص‌هایی برای بهبود وضعیت اقتصادی گروه‌ها از جمله: دسترسی به اشتغال (AE)<sup>۱</sup>، تحصیل یا آموزش شغلی (JT)<sup>۲</sup> است که در این پژوهش متغیر حاصل‌ضرب توسعه اقتصادی نامتوازن و حکمرانی مدنظر است.</p>	<p>GOV* UED</p>	<p>توسعه اقتصادی نامتوازن از کانال شاخص حکمرانی</p>	
$\frac{\Delta(SB)}{\Delta(GOV * UED)} > 0$	<p>شاخص مهاجرت انسان و فرار مغزها، تأثیر اقتصادی جابجایی انسان (به دلایل اقتصادی یا سیاسی) و عواقبی را که ممکن است بر توسعه کشور داشته باشد را در نظر می‌گیرد. زیرشاخص آن</p>	<p>GOV* HF&amp;BD</p>	<p>فرار مغزها از کانال شاخص حکمرانی</p>	
$\frac{\Delta(SB)}{\Delta(GOV * HF\&BD)} > 0$				

<sup>1</sup> Economic Inequality

<sup>2</sup> Access to Employment

<sup>3</sup> Education, or Job Training

فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد/ سال نهم/ شماره ۱/ بهار ۱۴۰۱			
۷۵	شامل مهاجرت داوطلبانه طبقه متوسط (VE) <sup>۱</sup> (به ویژه بخش‌های اقتصادی از نظر اقتصادی مولد، مانند کارآفرینان یا کارگران ماهر مانند پزشکان) است که در این پژوهش متغیر حاصل‌ضرب فرار مغزها و حکمرانی مدنظر است.		
طبق مطالعه صالح‌آبادی <sup>۲</sup> (۱۳۸۸) و شاهین و کارابولوت (۱۳۹۹) رابطه زیر مطرح می‌گردد: $\frac{\Delta(FD)}{\Delta(SB)} > 0$	نسبت اعتبارات داخلی به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی	FD	توسعه مالی
طبق مطالعه شاهین‌پور و کارابولوت (۱۳۹۹) رابطه زیر مطرح می‌گردد: $\frac{\Delta(TFP)}{\Delta(SB)} > 0$	از شاخص بهره‌وری کل عوامل تولید برای اندازه‌گیری آن استفاده شده است. به دلیل طولی بودن نحوه محاسبه این شاخص، به مطالعه کمیجانی و شاه‌آبادی (۱۳۸۲) رجوع شود.	TFP	بهره‌وری کل عوامل تولید
طبق مطالعه فتاحی و طبایخان (۱۳۹۵) رابطه زیر مطرح می‌گردد: $\frac{\Delta(GGDP)}{\Delta(SB)} > 0$	نسبت هزینه‌های دولت در بخش آموزش به تولید ناخالص داخلی	GGDP	هزینه‌های دولت در بخش آموزش

منبع: یافته‌های پژوهش

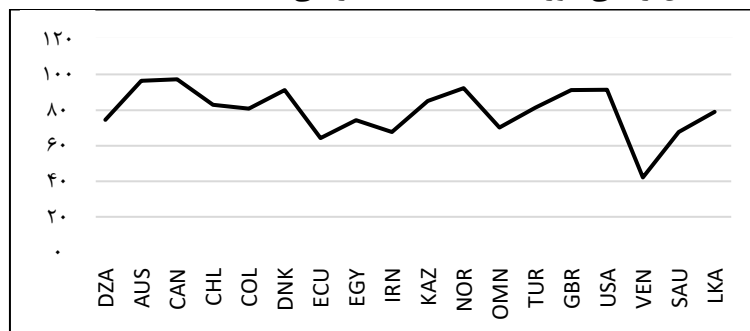
## ۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

شاخص فضای کسب و کار، مهم‌ترین شاخص اقتصادی در رشد و شکل‌گیری بخش خصوصی و افزایش رشد اقتصادی جامعه است. در این راستا و با توجه به اهمیت موضوع، بانک جهانی با استفاده از شاخص کسب و کار به بررسی و ارزیابی قوانین، مقررات و مجموعه عواملی که مستقیماً بر روی انجام کسب و کار و رشد اقتصادی کشورها مؤثرند پرداخته و اقدام به رتبه‌بندی کشورهای جهان می‌نماید. رتبه هر کشور

<sup>1</sup> Voluntary Emigration

<sup>2</sup> Salehabadi (2009)

براساس متوسطی از رتبه اجزای تشکیل دهنده هر شاخص تعیین می‌شود. بطوری‌که کشوری از نظر قوانین و مقررات پوشش دهنده فعالیت‌های اقتصادی، نظیر قانون ورود به بازار، ورشکستگی، قوانین تشکیل مشاغل جدید و غیره و نیز مجموعه عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌ها و در کل کسب و کار، بازدارنده باشد در رتبه‌بندی کشوری در مکان‌های انتهایی قرار می‌گیرد. لذا بسیاری از کشورها سعی بر این داشته تا با استفاده از سهولت فضای کسب و کار، فعالیت‌های اقتصادی را گسترش دهند زیرا به این مفهوم پی برده‌اند که بهبود محیط کسب و کار می‌تواند فرصت مناسبی برای کارآفرینان و ثروت‌آفرینان در جهت رشد اقتصادی مستمر و باثبات باشد. شایان ذکر است در این پژوهش شروع کسب و کار به عنوان شاخص راهاندازی کسب و کار جدید لحاظ شده است. تحلیل آماری سهولت فضای کسب و کار به صورت نمودار نشان داده می‌شود. نمودار (۱) میانگین راهاندازی کسب و کارهای جدید کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۹ نشان داده شده است. با بررسی نمودار زیر می‌توان بیان نمود، به ترتیب کشورهای ونزوئلا، مصر، عربستان و ایران با میانگین ۴۲/۱۸، ۶۴/۲۹، ۶۷/۴۴ و ۶۷/۶۶ کمترین مقادیر و کشورهای کانادا و استرالیا نیز با مقادیر ۹۷/۲۹، ۹۶/۴۱ و ۹۲/۳۸ به ترتیب بیشترین میانگین را طی دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۹ دارا می‌باشند.

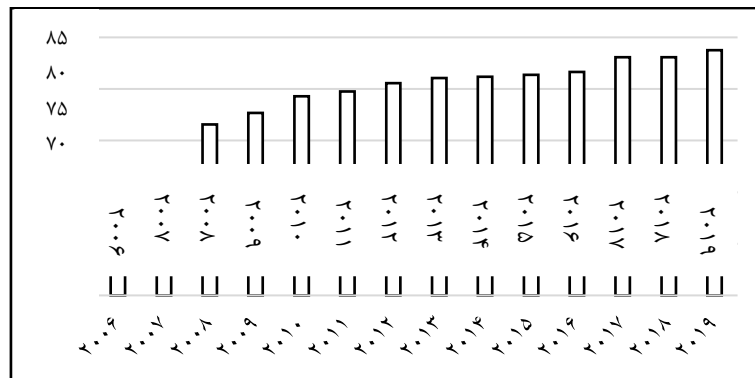


نمودار (۱): میانگین راهاندازی کسب و کارهای جدید کشورهای منتخب طی سال‌های

۲۰۰۶-۲۰۱۹

منبع: [www.doingbusiness.org](http://www.doingbusiness.org)

نمودار (۲) روند راه‌اندازی کسب و کارهای جدید کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۶ را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود راه‌اندازی کسب و کارهای جدید در کشورهای منتخب با نرخ فزاینده‌ای در حال افزایش است.



نمودار (۲): روند شروع کسب و کار کشورهای منتخب طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۰۶

منبع: [www.doingbusiness.org](http://www.doingbusiness.org)

در ادامه، این پژوهش با بهره‌گیری از تکنیک‌های اقتصادسنجی به برآورد مدل تاثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید در کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۶ می‌پردازد که برای تخمین مدل از نرم افزار Eviews9 استفاده شده است. البته پیش از برآورد مدل، مانایی متغیرهای مورد نظر در مدل، مورد آزمون قرار می‌گیرد، در صورتی که متغیرها مانا نباشد، منجر به بروز مشکل رگرسیون کاذب شده و فرآیند تکنیک اقتصادسنجی مناسب نبوده و تخمین رگرسیونی منجر به برآوردهای تورش‌دار و گمراه‌کننده می‌گردد (انگل و گرنجر، ۱۹۸۷)<sup>۱</sup>. برای این منظور پیش از بررسی پولینگ یا پانل بودن داده‌های آماری، مانایی متغیرها در طول زمان برای بررسی روابط بلندمدت اقتصادی متغیرها به ترتیب مورد توجه قرار می‌گیرد. جدول (۲)، مانایی متغیرها را به کمک آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (LLC)<sup>۲</sup> توسط چوی<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) مورد بررسی قرار داده و نتایج حاکی از آن است، تمام متغیرها در سطح مانا شده است.

<sup>۱</sup> Engle & Granger

<sup>۲</sup> Levin et al.

<sup>۳</sup> Choi

جدول (۲): نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	تعداد وقفه	آماره	احتمال
SB	$I(0)^*$	-۱۹/۲۱۸	۰/۰۰۰
FD	$I(0)$	-۵/۶۸۴	۰/۰۰۰
GGDP	$I(0)$	-۲/۲۶۸	۰/۰۱۱
TFP	$I(0)$	-۷/۲۵۸	۰/۰۰۰
GOV *EF	$I(0)$	-۱/۷۷۸	۰/۰۳
GOV *ED&P	$I(0)$	-۳/۰۹	۰/۰۰۱
GOV *UED	$I(0)$	-۱/۹۹۲	۰/۰۲۳
GOV *HF&BD	$I(0)$	-۳/۱۴۵	۰/۰۰۰۸

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج آزمون مانایی که در جدول (۲) ارائه شده است، بیانگر مانایی تمامی متغیرها در سطح می‌باشند، لذا نیاز به بررسی هم‌انباشتگی متغیرها نیست. پس از اینکه بررسی مانایی متغیرها در طول زمان بررسی شد، اولین گام در برآورد مدل‌های پنل دیتا تعیین نمودن قیود وارد شده بر مدل اقتصادسنجی است. به عبارت دیگر، نخست باید مشخص گردد، رابطه رگرسیونی در نمونه مورد بررسی دارای عرض از مبدأهای ناهمگن و شیب همگن است (لزوم استفاده از مدل داده‌های پنل) یا اینکه فرضیه عرض از مبدأهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع (لزوم استفاده از مدل داده‌های تلفیقی) پذیرفته می‌شود. برای آزمون معنی‌دار بودن روش داده‌های پنل از آماره آزمون F لیمر استفاده گردیده است. آماره آزمون F براساس رابطه (۳) محاسبه گردیده (بالتاجی، ۲۰۰۵) و با مقدار F جدول مقایسه می‌شود:

$$F = \frac{(RRSS - URSS)}{URSS / (NT - N - K)} \approx F[(N - 1), (NT - N - K)]$$

(۳)

که در آن به ترتیب  $RRSS$ ،  $URSS$ ،  $NT$ ،  $N$ ،  $K$  بیانگر ضریب تعیین حاصل از مدل مقید، ضریب تعیین حاصل از مدل نامقید (روش پانل دیتا)، متغیرهای توضیحی، نماینده مقاطع، تعداد قیود در مدل مقید و درجه آزادی مدل غیر مقید است. در صورتی

<sup>1</sup> Baltagi

که مقدار  $F$  محاسبه شده در رابطه (۳) از  $F$  جدول با درجات آزادی مشخص شده بزرگتر باشد فرض  $H_0$  مبنی بر همگنی مقاطع و عرض از مبدأهای یکسان رشد پذیرفته شده و در نتیجه پنل دیتا بودن داده‌های آماری را تصدیق می‌نماید.

### جدول (۳): نتایج آزمون $F_{Leamer}$ جهت بررسی مدل‌های تلفیقی و پنل

حالات	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
مقدار و	۱۳/۱	۱۵/۷۲	۱۱/۲	۱۲/۱
احتمال	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)

\* اعداد داخل پرانتز مقدار P-Valu را نشان می‌دهد.

منبع: یافته‌های تحقیق

در این مطالعه برای تخمین از برآوردگر پویایی روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) متناسب با پیشنهاد‌های بلوندل و بوند (۱۹۹۸)<sup>۱</sup> استفاده شده است. از مزایای این روش علاوه بر رفع همبستگی متغیرهای مستقل با اجزاء اخلاص و درون‌زایی آن‌ها، رفع ناهمسانی واریانس مدل و کارا بودن آن در هر دو حالت، اثرات ثابت و تصادفی است، از این‌رو دیگر نیازی به آزمون هاسمن نیست (بالتاجی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، گرین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸ و هسیاو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). لذا پس از بررسی آزمون‌های مورد نیاز، مدل راه‌اندازی کسب و کارهای جدید با استفاده از روش برآوردگر پویایی گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) برآورد می‌شود. بر طبق نتایج جدول (۴) همان‌طور که انتظار می‌رود، ضریب متغیر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید با یک وقفه مثبت است. این نتیجه نشان از پویایی راه‌اندازی کسب و کارهای جدید در طی زمان است، به طوری که کارکرد راه‌اندازی کسب و کارهای جدید در دوره جاری ب دوره بعد نیز گسترش می‌یابد.

### جدول (۴): نتایج برآورد معادله راه‌اندازی کسب و کارهای جدید

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
$SB_{t-1}$	۰/۴۰۸ (۰/۰۰۰)	۰/۳۹۲ (۰/۰۰۰)	۰/۳۸۵ (۰/۰۰۰)	۰/۶۵۶ (۰/۰۰۰)
FD	۰/۱۷۱ (۰/۰۰۰)	۰/۱۶۸ (۰/۰۰۰)	۰/۲۶ (۰/۰۰۰)	۰/۰۴ (۰/۰۱۷)

<sup>۱</sup> Blundell & Bond

<sup>۲</sup> Baltagi

<sup>۳</sup> Green

<sup>۴</sup> Hsiao

تاثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمروایی بر راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید				
GGDP	۰/۳۲۷ (۰/۰۰۰)	۰/۳۰۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۷ (۰/۰۰۰)	۰/۳۰۷ (۰/۰۰۰)
TFP	۰/۱۰۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۸۸ (۰/۰۰۰۳)	۰/۰۴۳ (۰/۰۰۰۵)
GOV*EF	۰/۰۸۹ (۰/۰۰۰)	-	-	-
GOV*ED&P	-	۰/۶۸۹ (۰/۰۰۰)	-	-
GOV*UED	-	-	۱/۱۱۹ (۰/۰۰۰)	-
GOV*HF&BD	-	-	-	۱/۴۰۶ (۰/۰۰۰۱)
Sargan test	۱۵/۲۹۳ (۰/۲۸۹)	۱۳/۴۹ (۰/۴۱)	۱۵/۷۷۶ (۰/۲۶۱)	۱۴/۴۳۱ (۰/۴۱۸)
Number of obs	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶	۲۱۶
Number of groups	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸

\* اعداد داخل پرانتز مقدار P-Valu را نشان می‌دهد.

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج تخمین جدول (۴) بیانگر تاثیر مثبت متغیر رکود اقتصادی و فقر از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید می‌باشد که متغیر رکود اقتصادی و فقر یکی از اجزا شکنندگی اقتصادی است. به عبارتی رکود اقتصادی عبارت است از پیدا شدن «اضافه تولید و یا کاهش تقاضا» یعنی پرشدن بازار از کالاهایی که مشتری ندارد. وقتی در بازار مشتری نباشد و کالاها فروش نرود، طبعاً تولید کالاها نیز کاهش یافته و متوقف می‌شود و به دنبال آن تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری وسیع و میلیونی کارگران پیش می‌آید که به نوبه خود فروش کالاها را باز هم دشوارتر کرده و بر عمق بحران می‌افزاید و بدین طریق بر فضای کسب و کار تاثیر می‌گذارد و شروع کسب و کار را با اختلال مواجه کرده و فعالین اقتصادی انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و کسب و کارهای جدید را از دست می‌دهند. اما اگر شرایط اقتصادی توسط حکمرانان خوب کنترل شود و با حکمرانی خوب از ایجاد رکود اقتصادی و فقر ممانعت به عمل آورده شود، سرمایه‌ها می‌تواند به سمت کسب و کارهای جدید سوق پیدا کند و سیستم



اعتباری سرمایه‌داری نیز تقویت شود. همچنین بدهکاران می‌توانند بدهی خود را سر موعد پرداخت کنند و بدین ترتیب بهای سهام شرکت‌ها در بازار ارتقاء می‌یابد و موسسات سرمایه‌داری به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در نتیجه با حکمرانی مناسب و مدیریت بر شرایط اقتصادی می‌توان از رکود اقتصادی و فقر جلوگیری کرد و زمینه را برای راه‌اندازی کسب و کار جدید فراهم نمود.

همچنین تاثیر مثبت توسعه اقتصادی نامتوازن از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید نیز از دیگر نتایج این تخمین می‌باشد که توسعه اقتصادی نامتوازن یکی از اجزا شکنندگی اقتصادی است. توسعه اقتصادی متوازن با تحت تاثیر قرار گرفتن از شاخص حکمرانی خوب، انگیزه سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد تولیدی تحت تاثیر قرار می‌دهد و زمینه برای ایجاد فرصت‌های شغلی و راه‌اندازی کسب و کارهای جدید فراهم می‌شود. به عبارتی حکمرانی خوب یکی از مولفه‌های تاثیر گذار بر توسعه اقتصادی متوازن کشورهاست که بدون حکمرانی خوب، شوک‌های وارد بر اقتصاد منجر به آشفتگی اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. در نتیجه، توسعه اقتصادی نامتوازن و شکنندگی اقتصادی را تشدید می‌کنند. بنابراین، استقرار حکمرانی خوب با ارائه خدمات عمومی کارا تر، حفظ حاکمیت قانون، حقوق مالکیت و قوانین قابل پیش‌بینی و معتبر، باعث جذب و خنثی‌شدن بهتر این شوک‌های می‌گردد (بریگوگیو، ۲۰۱۴) و از این طریق زمینه را برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در راه‌اندازی کسب و کارهای جدید فراهم می‌نماید. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی متوازن تحت حکمرانی خوب از طریق ایجاد برابری اقتصادی امکان رقابت سالم بین کسب‌وکارها را فراهم می‌کند و فضای کسب و کار برای شروع فعالیت‌ها مساعد می‌گردد.

تاثیر مثبت فرار مغزها از کانال حکمرانی بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید نیز از دیگر نتایج این تخمین می‌باشد که فرار مغزها یکی دیگر از اجزا شکنندگی اقتصادی است. گرایش شروع کسب و کار جدید، عاملی است که کشورها را در محیط رقابتی قرار داده است. یکی از عوامل تاثیرگذار بر موفقیت کشورها در این رقابت، برخورداری از نیروی انسانی متخصص و کارآمد است. حکمران خوب می‌تواند با افزایش تعداد نیروی انسانی کارآمد و متخصص در یک کشور، بازده تولید در آن کشور را بیشتر کرده و هزینه‌های تولید را تقلیل دهد. در چنین شرایطی قیمتی نسبی کالاها و خدمات پایین آمده و توان

تجارت بین‌المللی بالا خواهد رفت و شکنندگی اقتصاد کاهش می‌یابد و بدین طریق زمینه برای سهولت فضای کسب و کار ایجاد می‌شود. اما اگر حکمران به صورت مناسب عمل نکند و حکمرانی ضعیفی در جامعه پابرجا باشد. به دلیل پایین بودن ثبات سیاسی و نبود محیطی رقابت‌پذیر، سرمایه‌گذاری به ویژه سرمایه‌گذاری‌های خارجی به حداقل میزان خود می‌رسد و این شرایط باعث می‌گردد تا بسیاری از افراد برای ادامه تحصیل، سرمایه‌گذاری و غیره به کشورهای دیگر مهاجرت کنند (مکیان و بی‌باک، ۱۳۹۴). بنابراین کشورهای با فقدان حکمرانی خوب و شکنندگی اقتصادی، هنگام پدیدار شدن یک شوک، بیشتر دچار هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی می‌گردند (بریگوگلیو، ۲۰۱۴) و در نتیجه، پدیده فرار مغزها تشدید می‌شود و این زمینه را برای کاهش راه‌اندازی کسب و کارهای جدید فراهم می‌نماید.

لذا متناسب با نتایج تخمین می‌توان بیان داشت که کنترل رکود اقتصادی و فقر، توسعه اقتصادی نامتوازن و فرار مغزها از کانال حکمرانی منجر به کاهش شکنندگی اقتصادی می‌شود و به تبع آن فضای کسب و کار را برای شروع و تداوم فعالیت‌های اقتصادی گسترش می‌دهد. زیرا، با کاهش شکنندگی اقتصاد توسط حکمرانی خوب، سطح نااطمینانی در اقتصاد داخلی کاهش می‌یابد. بنابراین با کاهش نااطمینانی به دلیل شکنندگی پایین اقتصاد در برابر شوک‌های داخلی که توسط حکمرانی خوب مدیریت شده است، انگیزه فعالان اقتصادی برای شروع و تداوم کسب و کار افزایش می‌یابد. مبانی نظری و مطالعات تجربی صورت گرفته توسط مطالعات اسکالرز و همکاران (۲۰۱۷)، باتاچاری و همکاران (۲۰۰۹)، ماست‌کینها و ونکیوینب (۲۰۱۵) آلمیو (۲۰۱۵)، دهباشی، اسماعیل‌پورمقدم و اربابی (۱۳۹۹)، شاهین پور و کارابولیت (۱۳۹۸) نیز این نتایج را بیان داشتند.

نتایج تخمین جدول (۴) نشان می‌دهد، توسعه مالی تاثیر مثبت بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید دارد. نظام بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای بخش مالی، نقش بسیار کلیدی و بی‌بدیل در توسعه بخش مالی دارد که با فراهم نمودن شرایط برای سپرده‌گذاری (به شناسایی و تامین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس را برای تولید محصولات جدید و یا اجرای طرح‌های ابتکاری دارند)، موجب سهولت در فضای کسب و کار می‌شود، به عبارتی با توسعه بخش بانکی، اعتباردهی به بخش‌های تولیدی و کسب

و کارهای جدید فراهم می‌شود و بدین ترتیب شروع فعالیت‌های کسب و کار جدید برای سرمایه‌گذاران و کارآفرینان آسان‌تر می‌شود. مطالعات شاهین پور و کارابولیت (۱۳۹۹) و صالح آبادی (۱۳۸۸) همسو با نتایج پژوهش حاضر است.

همچنین متغیرهای بهره‌وری کل عوامل تولید و هزینه‌های دولت در بخش آموزش نیز از عوامل تعیین‌کننده بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید می‌باشند که تاثیر مثبت بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید دارند. در واقع ارتقاء بهره‌وری کل عوامل تولید و افزایش هزینه‌های دولت در بخش آموزش منجر به گسترش فعالیت‌های کسب و کار جدید می‌شود. بهره‌وری کل عوامل تولید و هزینه‌های دولت در بخش آموزش از اصول حیاتی در جهت تولید کالاهای با فناوری برتر است و این باعث می‌شود کسب و کارهایی که راه‌اندازی می‌شوند کالاهایی را تولید نمایند که دانش و علم در محصولات آنها دیده می‌شود. در حقیقت افراد با دانش بالا انگیزه این را پیدا می‌کنند که علم خود را در جهت راه‌اندازی کسب و کارهای جدید به کار گیرند. بدین ترتیب افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید و هزینه‌های دولت در بخش آموزش منجر به کاهش هزینه‌های بخش تولیدی، ایجاد مزیت نسبی اکتسابی، مزیت رقابتی، افزایش کسب و کارهای جدید و سرانجام رشد اقتصادی پایدار می‌گردد.

همچنین برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها در تخمین از آزمون سارگان استفاده شده است، در این آزمون، فرضیه صفر حاکی از عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص می‌باشد. نتایج در جدول (۴) حاکی است، مقدار احتمال آماره آزمون سارگان بزرگتر از مقدار  $0/05$  است. بنابراین می‌توان دریافت، فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص قابل پذیرش است و ابزارهای مورد استفاده برای تخمین مدل برای کشورهای مورد مطالعه از اعتبار لازم برخوردار است. شرایط متعددی وجود دارد که در آن متغیرهای توضیحی ارتباط با شرایط خطا را نشان می‌دهند و ممکن است از یک متغیر ابزار استفاده شود. اول، متغیرهای وابسته، در واقع می‌توانند یکی از متغیرهای توضیحی را ایجاد کنند. یا متغیرهای توضیحی مرتبط صرفاً در مدل حذف یا نادیده گرفته می‌شوند. شاید حتی ممکن است متغیرهای توضیحی خطایی در اندازه‌گیری داشته باشند. مشکل با هر یک از این شرایط این است که رگرسیون خطی سنتی که معمولاً در تحلیل استفاده می‌شود ممکن است برآوردهای متناقض یا بی‌طرفانه ایجاد

کند که در آن جا متغیرهای ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر نام روش، متغیرهای ابزار نیز متغیرهایی هستند که برای به دست آوردن تخمینی سازگار با استفاده از این روش استفاده می‌شوند. آنها بیرونی هستند، به این معنی که آنها خارج از معادله توضیحی هستند، اما به عنوان متغیرهای ابزار، آنها با متغیرهای درونی متغیر همبستگی دارند. فراتر از این تعریف یکی دیگر از الزامات اولیه برای استفاده از یک متغیر ابزار در یک مدل خطی وجود دارد: متغیر ابزار نباید با خطای خطی معادله توضیحی مرتبط باشد. بدین معنی است که متغیر ابزار نمی‌تواند یک مسئله مشابه با متغیر اصلی را داشته باشد که در حال تلاش برای حل آن است.

#### ۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از دلایل این که در اقتصادهای پیشرفته سرمایه به تولید تبدیل می‌شود وجود فضای کسب‌وکار مساعد می‌باشد و اگر در کشورهای در حال توسعه، سرمایه به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی نظیر خرید ارز، طلا، زمین و... می‌رود، بخاطر وجود فضای کسب و کار نامساعد و ناامن است. حجم پایین سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، نرخ‌های تورم و بیکاری دو رقمی، واردات گسترده، سهم اندک درآمدهای مالیاتی از کل تولید ناخالص داخلی و جز این‌ها، همگی نشان‌دهنده نامناسب بودن محیط کسب و کار در کشور است و نیاز است تا با شناسایی عوامل موثر بر آن نسبت به بهبود فضای کسب و کار در کشور اقدام شود. شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی یکی از متغیرهای اصلی موثر بر راه-اندازی کسب و کار جدید است؛ بنابراین کاهش شکنندگی اقتصادی از طریق حکمرانی خوب می‌تواند بسترهای مناسب را برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید فراهم نماید. برای کاهش شکنندگی اقتصادی می‌توان اجزا آن را مورد بررسی قرار داد که از مهم‌ترین این زیرشاخص‌ها می‌توان به کاهش رکود اقتصادی و فقر، جلوگیری از فرار مغزها و توسعه اقتصادی متوازن اشاره نمود. شکنندگی اقتصادی علاوه بر اینکه ناشی از خصوصیات ذاتی و ساختار اقتصادی یک کشور است، اما تا حد زیادی تحت تاثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و نحوه حکمرانی قرار می‌گیرد. بنابراین، کشورها می‌توانند با اتخاذ حکمرانی مناسب بر این مشکلات غلبه نمایند. به عبارت دیگر، کشوری که دارای حکمرانی مناسبی است، می‌تواند با اتکاء به مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهای کارای خود و اجرای سیاست‌های درست از سوی دولت، درجه شکنندگی اقتصادی را کاهش

دهد. حکومت‌هایی که حکمرانی مناسبی دارند قادر به کاهش و حتی ایستادگی در برابر اثرات شوک‌های داخلی و خارجی هستند. این حکومت‌ها برای کاهش شکنندگی اقتصادی و دستیابی به ثبات اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی مناسبی را جهت تحمل شوک‌ها در نظر می‌گیرند (کوردینا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) و از این طریق منجر به ایجاد بسترهای مناسب برای فضای امن سرمایه‌گذاری و کسب و کار می‌گردند. لذا این پژوهش، براساس مدل‌های اقتصاد سنجی؛ به بررسی تاثیر شکنندگی اقتصادی از کانال حکمرانی بر راه-اندازی کسب و کارهای جدید کشورهای طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۶ می‌پردازد. لذا نتایج نشان می‌دهد، اثر متقابل اجزا شکنندگی اقتصادی و حکمرانی که شامل: حاصل-ضرب رکود اقتصادی و فقر و حکمرانی، حاصل‌ضرب توسعه اقتصادی نامتوازن و حکمرانی و حاصل‌ضرب فرار مغزها و حکمرانی است، تاثیر مثبت بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید کشورهای مورد بررسی دارند. بنابراین با حکمرانی خوب، شکنندگی اقتصادی بهبود می‌یابد و به تبع آن هزینه‌های ناشی از محیط فعالیت اقتصادی کاهش می‌یابد و انگیزه فعالان اقتصادی برای شروع و تداوم کسب و کار افزایش می‌یابد. همچنین نتایج نشان می‌دهد، متغیرهای توسعه مالی، هزینه‌های دولت در بخش آموزش و بهره‌وری کل عوامل تولید تاثیر مثبت بر راه‌اندازی کسب و کارهای جدید دارند. بنابراین می‌توان دریافت؛ به دلیل پایین بودن شاخص سهولت فضای کسب و کار در کشورهای مورد مطالعه این پژوهش، انگیزه سرمایه‌گذاران در جهت انتقال منابع مالی به بخش فعالیت‌های تولیدی مولد کاهش می‌یابد. بنابراین، ریسک سرمایه‌گذاری افزایش یافته و تداوم کسب و کارها با اختلال مواجه می‌نماید. لذا برای بهبود فضای کسب و کار برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید کشورهای منتخب پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- بهبود حکمرانی خوب، شکنندگی اقتصادی را از طریق کاهش رکود و فقر، توسعه متوازن و کاهش فرار مغزها کاهش می‌دهد. به تبع آن، نوسانات شدید اقتصادی کاهش می‌یابد و با افزایش اطمینان و ثبات اقتصاد کلان، زمینه را برای شروع کسب‌وکارهای نوپا و جدید فراهم می‌گردد.

---

<sup>1</sup> Cordina

- حذف مقررات، دستورالعمل‌ها و رویه‌های زائد و بازدارنده و موازی‌کاری‌های در سیستم‌های اجرایی موجب کاهش شکنندگی اقتصادی و به تبع آن، افزایش راه‌اندازی کسب و کارهای جدید می‌گردد.
- تدوین مقررات به صورت دقیق و قاعده‌مند، عدم وجود نظام بوروکراسی و پیچیده اداری موجب کاهش شکنندگی اقتصادی می‌گردد و به تبع آن محیط کسب و کار مساعد برای کارآفرینان و سرمایه‌گذاران ایجاد می‌گردد.
- افزایش کارایی دولت در انجام وظایف اصلی و اولیه نظیر تضمین حقوق مالکیت، تامین ثبات کلان اقتصادی، فراهم کردن کالاهای عمومی منجر به کاهش شکنندگی اقتصادی و به تبع آن، افزایش راه‌اندازی کسب و کارهای جدید می‌شود.

## فهرست منابع

۱. امجدی، کاظم و شافعی، احسان (۱۳۹۶). تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار کشورها (مکانیزمی جهت ارتقای بهره‌وری). مدیریت بهره‌وری، ۱۱(۲(۴۱))، ۲۰۳-۲۲۴.
۲. حبیبی، سمیرا، حاجی‌ملادرویش، نرگس و راغفر، حسین (۱۴۰۰). تأثیر فقر ذهنی بر عملکرد نیروی کار. نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۸(۱(۲۸))، ۱۶۵-۱۸۴.
۳. دهباشی، وحید، اسماعیل پورمقدم، هادی و اربابی، زهرا (۱۳۹۹). اثر بی‌ثباتی برخی شاخص‌های کلان اقتصادی بر تعداد شرکت‌های فعال در فضای کسب‌وکار ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۲۰(۷۷)، ۱۲۸-۱۰۳.
۴. رزم‌آهنگ، مهدی (۱۳۹۶). شاخص‌های شکنندگی اقتصادی: مجموعه‌ای از شاخص‌های آسیب‌پذیری برای کشورهای (OECD) و ارائه پیشنهادهایی برای اقتصاد ایران. دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. سعدآبادی، علی اصغر، رحیمی راد، زهره و فرتاش، کیارش (۱۳۹۹). طراحی و تبیین مدل پایش ضد شکنندگی اقتصادی برای نیل به اقتصاد مقاومتی. مطالعات مدیریت دولتی/ ایران، ۳(۲)، ۵۹-۸۷.
۶. سلاطین، پروانه (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت حکمرانی بر کارآفرینی در گروه کشورهای منتخب: رهیافت داده‌های پانل. دولت پژوهی، ۵(۲۰)، ۷۱-۱۰۳.
۷. شاهین‌پور، علی و کارابولت، کرم (۱۳۹۸). عقود بانکداری اسلامی و فضای کسب و کار در ایران. مدیریت کسب و کارهای بین‌المللی، ۲(۲)، ۲۱-۴۱.
۸. شاهین‌پور، علی و کارابولت، کرم (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه انسانی بر فضای کسب و کار در کشورهای اسلامی. مدیریت کسب و کارهای بین‌المللی، ۳(۴)، ۸۷-۱۰۵.
۹. صالح‌آبادی، علی (۱۳۸۸). نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب و کار ایران. پژوهش‌های پولی و بانکی، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۲۲.
۱۰. عزیزی، زهرا و خرسندی، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی اثر حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی (رهیافت بین‌کشوری). سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی، ۴(۳)، ۱۵۰-۱۲۹.

۱۱. فتاحی، حمیدرضا و طبخیان، ندا (۱۳۹۵). بررسی نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۴(۱۶)، ۱۷۳-۱۵۱.

۱۲. کریمی‌تکانلو، زهرا، صادقی، سید کمال و ستاری، مریم (۱۳۹۳). مطالعه عوامل تأثیرگذار بر فضای کسب‌وکار در ایران. *مجله اطلاعات اقتصادی*، ۱(۲)، ۵-۲۶.

۱۳. مکیان، سیدنظام‌الدین و بی‌باک، مژده (۱۳۹۴). تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی: یک تحلیل بین‌کشوری. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۹(۳۰)، ۱۳۱-۱۴۷.

۱۴. مهربانی، فاطمه، عبداللهی، فرشته و بصیرت، مهدی (۱۳۹۵). اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران، کشورهای MENA و OECD با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۴(۱۳)، ۶۵-۹۶.

1. Alemu, A. M. (2015). The nexus between governance infrastructure and the ease of doing business in Africa. In *comparative case studies on entrepreneurship in developed and developing countries* (pp. 110-131). IGI Global.
2. Andreica, A. (2004). Evaluating ICT implementations within the romanian business environment. *Journal of transition studies review*, 11(3), 236-243.
3. Amjadi, k., and Shafeei, E. (2017). The effect of information and communication technology on improving the business circumstances indicators in countries (A mechanism to improve productivity). *Productivity Management*, 11(2(41)), 203-224. (In Persian).
4. Azizi, Z., and Khorsandi, M. (2016). Investigating the effect of good governance on economic vulnerability (inter-country approach). *Economic development policy*, 4(3), 129-150. (In Persian).
5. Abdelhadi, S., Bashayreh, A., and Alomari, M. W. (2021). The effect of fragility on foreign direct investment deterioration: the case of MENA countries. *Journal of sustainable finance & investment*, DOI: 10.1080/20430795.2020.1857636
6. Briguglio, L. (2014). A vulnerability and resilience framework for small states. Bynoe-lewis, D. building the resilience of small states: A revised framework. *London commonwealth secretariat*.
7. Babovic, F., Babovic, V., and Mijic, A. (2018). Antifragility and the development of urban water infrastructure. *International journal of water resources development*, 34(4), 499-509.



8. Bhattacharjee, A., Higson, C., Holly, S., and Kattuman, P. (2009). Macroeconomic instability and business exit: Determinants of failures and acquisitions of UK firms. *Economica*, 76, 108-131.
9. Baltagi, H. B. (2009). Econometric analysis of panel data. *Published by wiley press*, 1, 28-35.
10. Canare, T. (2018). The effect of ease of going business on firm creation. *Annals of economics and finance*, 19(2), 555-584.
11. Cordina, G. (2008). The Macroeconomic and growth dynamics of small states. *Economic review & basic statistics*, 12, 21-37.
12. Dehbashi, V., Esmaeilpour Moghadam, H., and Arbabi, Z. (2020). The effect of macroeconomic instability on the number of active firms in Iran. *Economic research*, 20(77), 103-128. (In Persian).
13. Escaleras, M., and Chiang, E. P. (2017). Fiscal decentralization and institutional quality on the business environment author links open overlay panel. *Economics letters*, 159, 161-163.
14. Fattahi H., and Tabakhian, N. (2016). Government policy and exploitation of entrepreneurial opportunities. *Quarterly journal of fiscal and economic policies*, 4(16), 151- 173. (In Persian).
15. Groșanu, A., Boța-Avram, C., Răchișan, P. R., Vesselinov, R., and Tiron Tudor, A. (2015). The influence of country-level governance on business environment and entrepreneurship: A global perspective. *Amfiteatru economic*, 17(38), 60-75.
16. Greene, W. H. (2008). Econometric analysis—sixth edition. *New Jersey*, Upper Saddle River: Pearson International.
17. Habibi, S., Hajimoladarvish, N., and Raghfar, H. (2021). The effect of mental poverty on labor performance. *Applied Theories of Economics*, 8(1(28)), 165-184.
18. Hans, V. B. (2018). Business environment conceptual framework and polices. *Internatioal educational scientific reseach journal*, 4(3), 67-74.
19. Hsiao, C. (2003). Analysis of panel data, 2nd edition. Cambridge University Press.
20. Jiang, M., Gao, Y., Jin, M., and Liu, S. (2020). Sustainable development of the business environment in smart cities: a hierarchical framework. *Kybernetes*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/K-03-2020-0148>
21. Karimi, T., Sadeghi, S. K., and Sattari, M. (2014). Study of factors affecting the business environment in Iran. *Journal of economic information*, 1(2), 5-26. (In Persian).
22. Masteikienea, R., and Venckuvieneb, V. (2015). Changes of economic globalization impacts on the baltic states business environments. *Procedia economics and finance*, 26, 1086-1094.

23. Mehrabani, F., Abdollahi, F., and Basirat, M. (2016). Considering the effects of doing business on economic growth for Iran, MENA and OECD countries by GMM method. *The macro and strategic policies*, 4(13), 65-96. (In Persian).
24. Makian, S. N., and Bibak, M. (2015). The impact of good governance on human development: An interstate analysis. *Economic modeling quarterly*, 9(30), 131-147.
25. Nyström, K. (2010). Business regulation and red tape in the entrepreneurial economy. *Cesis and the division of economics, Kth and the ratio institute, stockholm*.
26. Razm Ahang, M. (2017). Indicators of economic fragility: A set of vulnerability indicators for countries (OECD) and recommendations for the Iranian economy. *Office of economic studies, Research center, Islamic consultative assembly*. (In Persian).
27. Rodríguez-Gulías, M. J., Sousa Gabriel, V. M., and Rodeiro-Pazos, D. (2020). The effect of good governance on business creation: A multilevel approach. *Revista de economía mundial*, 54, 21-42
28. Saadabadi, A., Rahimi Rad, Zohreh., and Fartash, Kiarash. (2020). Designing and explaining the anti-fragility economic monitoring model to achieve a resilient economy. *Iranian public management studies*, 3(2), 59-87. (In Persian).
29. Shahinpour, A., and Karabulut, K. (2019). Islamic banking agreements and business environment in Iran. *International business administration*. 2(2), 21-41. (In Persian).
30. Shahinpour, A., and Karabulut, K. (2020). The effect of human capital on business space in Islamic countries. *International business administration*, 2(2), 21-41. (In Persian).
31. Salehabadi, A. (2009). Role of the capital market in improving Iran business environment. *Monetary and banking Research*, 1(1), 101-122. (In Persian).
32. Salatin, P. (2019). The impact of governance quality on entrepreneurship in selected countries: A panel data approach. *Stats studies*, 5(20), 71-103. (In Persian).
33. Vallings, C., and Moreno-Torres, M. (2005). Drivers of fragility: What makes states fragile?. *Prde working paper*, no. 7 (<https://b2n.ir/001071>).